**( عج ) معالجه بوسائط مادّيّه**

در مسأله طبّ و علاج روحانی ذکر شد که بقوای معنويّه معالجه امراض ميشود حال از معالجه ماديّه صحبت داريم . طبّ هنوز در درجه طفوليّت است بحدّ بلوغ نرسيده و چون بحدّ بلوغ برسد معالجه باشيائی شود که مشامّ و مذاق انسان کره از آن ندارد يعنی باغذيه و بفواکه و بنباتاتی که لطيف المذاق و طيّبة الرّائحه هستند . زيرا مدخل امراض يعنی سبب دخول امراض در جسم انسان يا موادّ جسمانيّه است و يا تأثّر و هيجان عصبی . امّا موادّ جسمانيّه که سبب اصلی امراض است اينست که جسم انسان مرکّب است از عناصر متعدّده ولی بميزان اعتدال مخصوصی تا آن اعتدال باقيست انسان مصون از امراض است و چون در موازنه اصليّه که مدار اعتدال مزاج است خللی عارض شود مزاج مختلّ ميشود امراض مستولی گردد . مثلاً در يک جزئی از اجزاء مرکّبه جسم انسان تناقص حاصل شود و جزء ديگر تزايد جويد ميزان اعتدال بهم خورد پس مرض عارض شود مثلاً يک جزء بايد که هزار درهم باشد يک جزء ديگر بايد که پنج درهم باشد تا اعتدال حاصل شود آن جزء هزار درهمی تنزّل کند هفتصد درهم شود و جزء پنج درهمی تزايد پيدا کند تا آنکه ميزان اعتدال بر هم خورد پس مرض عارض شود و چون بواسطه ادويه و معالجات اعتدال پيدا کند مرض مندفع شود مثلاً جزء شکری تزايد نمايد صحّت مختلّ شود و چون از غذاهای شيرين و نشوی حکيم منع کند جزء شکری تناقص پيدا کند اعتدال حاصل شود مرض مندفع گردد . حال تعديل اين اجزا که در جسم انسانست بدو اسباب حاصل شود يا بسبب ادويه يا بسبب اغذيه و چون مزاج اعتدال پيدا کرد مرض مندفع شود زيرا جميع عناصر مرکّبه که در انسانست در نباتات نيز موجود لهذا چون جزئی از اجزاء مرکّبه جسم انسان تناقص يابد اطعمه ای تناول کند که در آن آن جزء ناقص زياد باشد پس اعتدال پيدا کند و شفا حاصل شود مادام که مقصد تعديل اجزاست اين بدوا ممکن و بغذا ممکن . امراض که بر انسان عارض ميشود اکثرش بر حيوان نيز عارض شود امّا حيوان بدوا معالجه نکند طبيب حيوان در کوه و بيابان قوّه ذائقه و قوّه شامّه است اين نباتاتی که در بيابان روئيده حيوان مريض استشمام کند هر يک در مذاقش و در شامّه‌اش شيرين و خوشبوی آيد آنرا خورد و شفا يابد و سبب شفايش اينست مثلاً چون جزء شکری در مزاجش تناقص يافته اشتها بشيرينی پيدا نمايد لهذا نبات شيرين طعم تناول نمايد زيرا طبيعت آنرا سوق کند و دلالت نمايد از بويش و از چشيدنش خوشش آيد آنرا خورد جزء شکری تزايد پيدا کند و صحّت حاصل شود . پس معلوم شد که ميشود باطعمه و اغذيه و فواکه معالجه کرد ولی چون طبّ الی الآن ناقص است لهذا درست پی نبرده‌اند و چون طبّ بدرجه کمال رسد باطعمه و اغذيه و فواکه و نباتات طيّبة الرّائحه و مياه مختلفه بارده و حارّه و درجاتش معالجه خواهد شد اين بيان مختصر است ان شاء اللّه وقت ديگر بمناسبتی مفصّل بيان خواهد گشت .